

نتیجه غفلت از ابدیت چیست و چگونه زندگی ما را دستخوش تغییر می‌کند؟

علائم غفلت از ابدیت | آیا می‌توان غفلت از ابدیت را موضوعی ساده در نظر گرفت؟

آیا می‌توان از ابدیت به عنوان هدف، غایت نهایی و خانه ابدی غافل شد؟

غفلت از ابدیت چه پیامدهایی را به دنبال دارد؟

اهمیت غفلت از یک موضوع را معمولا می‌توان با در نظر گرفتن اهمیت خود موضوع سنجید؛ یعنی هرچه با موضوع مهم‌تری روبه‌رو باشیم، طبیعتاً خطر غفلت از آن هم بزرگتر می‌شود. مسلماً غفلت و کوتاهی در مورد مسائل یک استان با غفلت از تصمیم‌گیری درست در رابطه با یک محله یکسان نیست! با این حساب می‌توان گفت که غفلت از ابدیت فقط یک بی‌توجهی ساده و سطحی نیست؛ زیرا با غافل شدن از شرایطی که زندگی ابدی ما وابسته به آن است، هرگز نمی‌شود به سعادت رسید.

معمولاً غفلت را به معنی بی‌توجهی به هدفی که پیش روی خود داریم، معنا می‌کنیم و بزرگترین هدف پیش روی ما به عنوان یک انسان مسئله شباهت با الله است که در راستای زندگی ابدی و جاودانه ما در آخرت تعریف می‌شود. حالا سوال اینجاست که آیا می‌توان بدون در نظر گرفتن غایت و نهایت خود به عنوان موجودی جاودانه به این هدف برسیم؟

غفلت از ابدیت به معنی طی کردن مسیر زندگی بدون در نظر گرفتن مقصد آن است و این در حالی است که ما در زندگی روزمره خود هرگز وارد سفری طولانی بدون شناخت مقصد نمی‌شویم. هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که بدون شناخت و اطلاع از هدف نهایی بتوانیم مسیر را به درستی بییماییم؛ همان‌طور که آماده‌سازی یک غذا بدون آگاهی از نوع آن ممکن نیست یا موفقیت در یک آزمون بدون اطلاع از موضوع آن امکان ندارد، رسیدن به هدف خلقت و برخورداری از یک تولد سالم هم با غفلت از ابدیت ممکن نیست.

چرا از ابدیت غافل می‌شویم؟

بیشتر اشتباهات و تصمیم‌گیری‌های نادرست ما در زندگی از نوع نگاه اشتباه و عدم شناخت خود حقیقی ما ناشی می‌شود. طبیعتاً از فردی که تمام حقیقت و موجودیت خود را همین بدن مادی و جسمانی می‌داند، نه می‌توان انتظار داشت که زندگی خود را چیزی فراتر از تولد تا مرگ تصور کند و نه می‌توان توقع داشت که در زندگی انگیزه و تلاش‌هایی متناسب با فضای ابدی آخرت داشته باشد. پس لازمه در نظر گرفتن ابدیت قبل از هر چیز داشتن یک نگاه درست و حقیقی به خود است؛ نگاهی که ما را نه یک موجود کوچک و محدود بلکه موجودی ابدی و جاودانه می‌داند. خب طبیعتاً موجودی با مختصات ابدی را نمی‌توان محدود به زندگی کوتاه و گذرای دنیا کرد؛ زیرا دنیا از توانایی لازم برای پاسخگویی به نیازهای انسان برخوردار نیست! در واقع دنیا تنها رحمی‌ست که ما را برای ورود به خانه اصلی و جایی که مقصد نهایی ماست، آماده می‌کند.

غفلت ما از زمانی آغاز می‌شود که فضای رحمی دنیا را فراموش کرده و آن را خانه ابدی و مقصد خود تصور کنیم. دارایی‌های خود را متعلق به دنیا و شرایط محدود آن بدانیم و تمام همّ خود را برای کسب کمالات دنیایی صرف کنیم و در واقع جایگاه خود را از موجودی ابدی با هدفی بی‌نهایت به موجودی مادی و محدود با تمایلاتی حقیر و دنیایی پایین بیاوریم؛ درست مثل جنینی که از زندگی بی‌نهایت زیباتر، وسیع‌تر و مجهزتر دنیا غافل شده و تمام تلاش خود را صرف رحمی کند که نهایتاً تا نه ماه دیگر از آن خارج می‌شود.

نتیجه عدم باور ابدیت

فارغ از اینکه نوع شخصیت ما چگونه است و چه قدر فرد فعالی هستیم، معمولاً یک زندگی شاد، بانشاط و پرتحرک را به یک زندگی مرده، کسالت‌آور و بی‌تحرک ترجیح می‌دهیم. اما این تلاش و انگیزه معمولاً نتیجه هدفی است که برای خود تعریف کرده و خود را در راستای رسیدن به آن می‌بینیم. مسلماً ورزشکاری که

خود را برای کسب یک مقام منطقه‌ای آماده می‌کند با کسی که برای کسب مدال المپیک تلاش می‌کند، انگیزه و تلاش متفاوتی دارد.

رسیدن به مدال المپیک نیاز به تمرین و پشتکاری در حد و اندازه‌های جهانی دارد و به همین میزان هم کوچکترین غفلی می‌تواند باعث خارج شدن از وزن ایده‌ال، آمادگی جسمانی مناسب و نهایتاً نرسیدن به هدف شود. به عبارتی در این موقعیت کسالت و بی‌حوصلگی به معنی جدی نگرفتن هدف و کوچک شمردن آن به حساب می‌آید و رسیدن به این هدف نیازمند برنامه و تلاشی مستمر و بی‌وقفه است.

شرایط ما در رابطه با آخرت هم از قاعده مشابهی پیروی می‌کند و هرگونه تنبلی و بی‌حالی در راستای آمادگی برای آخرت و زندگی جاودانه در آن، معنایی جز باور نکردن مسئله جاودانگی آخرت ندارد. در حقیقت همان‌طور که غفلت از فعالیت و توقف برای جنینی که در رحم مادر است مساوی با ضعف و عدم هماهنگی با شرایط دنیاست، غفلت از آخرت و سستی در مسیر برای ما که پیوسته در مسیر رسیدن به آخرت در حال صیوروت و شدنیم، با خسارتی ماندگار همراه است.

نشانه‌های غفلت از ابدیت

طبیعتاً نتیجه باور به هدف بزرگ و جاودانه ابدیت، آماده شدن برای چنین هدفی‌ست. اما چگونه متوجه شویم که در مسیر زندگی و اهداف خود دچار غفلت شده‌ایم؟ در ادامه به برخی از نشانه‌های غفلی که می‌تواند امکان یک تولد سالم به آخرت را از ما بگیرد، می‌پردازیم.

• اگر دچار غفلت از ابدیت شده باشیم، قدرت مقابله با کمبودها و ناملایمات زندگی دنیا را از دست می‌دهیم و از آنجا که دنیا را مرجع تمام آمال و آرزوهای خود می‌دانیم، گرفتار غصه و پریشانی می‌شویم.

• اولویتهای خود در پرداختن به کمالات را از دست می‌دهیم؛ چون تعریف ما از خود تبدیل به تعریفی محدود شده و زندگی ابدی و جاودانه را در نظر نمی‌گیریم؛ در چنین شرایطی نهایتاً برای رسیدن به کمالات بخش‌های پایینی وجودمان تلاش می‌کنیم.

• از دست دادن اندازه‌ها باعث می‌شود که برای از دست دادن چیزهایی ناراحت شویم که لازم نیست و کسب چیزهایی را هدف قرار دهیم که با آخرت و ابدیت ما تناسبی نداشته و در زندگی ابدی ما نقشی ایفا نمی‌کنند.

اما علاوه بر نشانه‌های غفلت، ملاک‌ها و معیارهایی هم برای تشخیص غفلت‌زدگی یا عدم غفلت ما قرار داده شده؛ در واقع یکی از راه‌های تشخیص غفلت از ابدیت، بررسی معشوق‌هاست؛ یعنی زمانی که الله، اهل بیت و جهاد در راه خدا در رأس معشوق‌های ما قرار داشته و اولویت انتخاب‌ها و ارتباط‌های ما را به خود اختصاص دهند، می‌توانیم به عدم غفلت خود از ابدیت امیدوار باشیم. علاوه بر این حال و روز ما در زندگی هم نشان‌دهنده نوع حرکت ماست و بررسی پیوسته و مداوم وضعیت نفس‌مان به ما این آگاهی را می‌دهد که آیا روز به روز در حال نزدیک‌تر شدن به هدف خلقتمان هستیم یا خیر؟